



بررسی وجوه افتراق مبانی فلسفی تعلیم و تربیت انسان در قرآن و عهدین با رویکرد بنیان آموزشی و پژوهشی

علیرضا عباسیان^۱، محمد حاجی زاد^۲، سید احمد میریان آکندی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۹

چکیده:

شناخت انسان و ویژگی‌های او از پیش نیازهای اصلی تعلیم و تربیت است. هر چه شناخت از انسان عمیق‌تر و دقیق‌تر باشد، برنامه‌ریزی برای تعلیم و تربیت او دارای اتقان بیشتری خواهد بود. در پژوهش حاضر، ضمن بررسی مفهوم شناسی فلسفه تعلیم و تربیت، بررسی مبانی فلسفی تعلیم و تربیت، بررسی کتاب شناسی پژوهش با تأکید بر قرآن کریم، تورات و انجیل، واکاوی به تشریح نکات موضوعی نا همسو در قرآن کریم، تورات و انجیل در حوزه‌های فلسفه تعلیم و تربیت، مبانی فلسفی تربیت انسان در قرآن و عهدین (عهد قدیم و عهد جدید) به روش تطبیقی مورد بررسی قرار گرفته است. لازم به ذکر است که نوع پژوهش بر اساس هدف بنیادی است و به لحاظ روش گردآوری داده‌ها، مطالعه کتابخانه‌ای و رجوع به منابع معتبر یعنی شیوه اسنادی و بهره‌گیری از منابع مکتوب و همچنین آرشیو اسناد و مدارک و همچنین جستجو در شبکه‌های مجازی و اینترنتی انجام شده است. پژوهش حاضر به لحاظ ماهیت پژوهش، تطبیقی، توصیفی و تحلیلی و یا تحلیل یافته‌ها می‌باشد. یافته‌های این پژوهش نشان داده‌اند که مبانی تربیت انسان در قرآن و عهدین مبتنی بر معرفت شناسی، هستی شناسی، انسان شناسی می‌باشد. در بعد دیگر، فلسفه تربیت انسان در قرآن بر اصولی چون: فطرت گرایی، اعتدال گرایی، تربیت عقلایی، تفکر و تدبر، کرامت، کمال جویی، خانواده گرایی و تفاوت‌های اجتماعی استوار است.

واژه‌های کلیدی: مبانی فلسفی تعلیم و تربیت، عهدین، هستی شناسی، انسان شناسی، معرفت شناسی

۱- دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران. alireza.abbasian1402@gmail.com

۲- استادیار، گروه علوم تربیتی، واحد نکا، دانشگاه آزاد اسلامی، نکا، ایران. hajizad@iauu.ir (نویسنده مسئول)

۳- دانشیار، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران. ahmad.miriyani@yahoo.com

مقدمه :

تبیینی از علت یا علل وقوع پدیده‌های تربیتی در جوامع مختلف را ارائه دهند. مزید بر آن، نظریه‌ها و اصول مربوط به فلسفه تعلیم و تربیت را باید به صورت نقد ایدئولوژیک حال برای ارائه بدیلی در آینده تعبیر کرد و در حقیقت انعکاسی از فرایند تئوریزه کردن مسائلی چون معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی تربیتی قلمداد کرد. در واقع این نظریه‌های تعلیم و تربیتی به پدیده‌های مبهوت پیرامون مسائل اجتماعی و جامعه‌پذیری نظم و معنا می‌دهند البته در مسیحیت وجود دارد که بین دین و تفکر تربیتی، رابطه وجود دارد. در مسیحیت بسته به موقعیت معلمان می‌توانند از روش‌های تدریس گوناگون و کاملاً متفاوتی بهره‌گیرند. معلمان حرفه‌ای و تخصصی در کلیساها و سازمان‌های مرتبط با کلیسا و مدارس معمولاً به‌طور کامل یک روش تدریس واحد را در پیش نمی‌گیرند. معمولاً آنان عناصری از رویکرد‌ها و روش‌های گوناگون را که مناسب با سبک تدریس آنان است، بر می‌گزینند. همچنین ممکن است آنان یک روش را برای مجموعه‌ای از اهداف و موضوعات انتخاب کنند و رویکرد و روشی کاملاً متفاوت برای مجموعه‌ای دیگر از اهداف و موضوعات انتخاب کنند. فهرست راهبرد‌های مهم در این مورد عبارت‌اند از: ایفای نقش، بحث‌های اخلاقی، روش نمایشی، استفاده از فیلم استریپ‌ها، فیلم‌ها و سایر وسایل سمعی و بصری، تمرین‌های تبیین و توضیح اهداف، مشاوره و تدریس در میان سنین گوناگون، مصاحبه و خاطره‌نویسی. آموزشی که در کتاب Proverbs (در انجیل) ارائه شده است، مبتنی بر مشاهده دقیق و تحلیل و رسیدن به نتایج منطقی و نظری است. بنابراین باید آموزش حکمت و حقیقت به همراه درک اساس یادگیری باشد که شاگرد را به راه مستقیم هدایت کند. لذا بی‌علت نیست که در انجیل در موارد مختلف و به‌صورت گوناگون به این حقیقت اشاره شده است. خصوصاً در مقاطع متوسطه، ظرافت و خبرگی قابل ملاحظه‌ای به منظور حفظ علائق شاگردان بزرگ‌سال تر و غالباً با دین‌داری کمتر لازم است.

(Watson, 1993:18) پژوهشگران متعددی در مورد فلسفه تعلیم و تربیت در شاخه خاص مقالاتی را ارائه دادند. با همه‌اهمیتی که فلسفه تعلیم و تربیت در میراث و نحله‌های فکری مختلف دارد، به نظر می‌رسد که به دلیل اهمیت آن سهم پژوهش پژوهشگران حوزه فلسفه تعلیم و تربیت با توجه به مطالعات تطبیقی تعلیم و

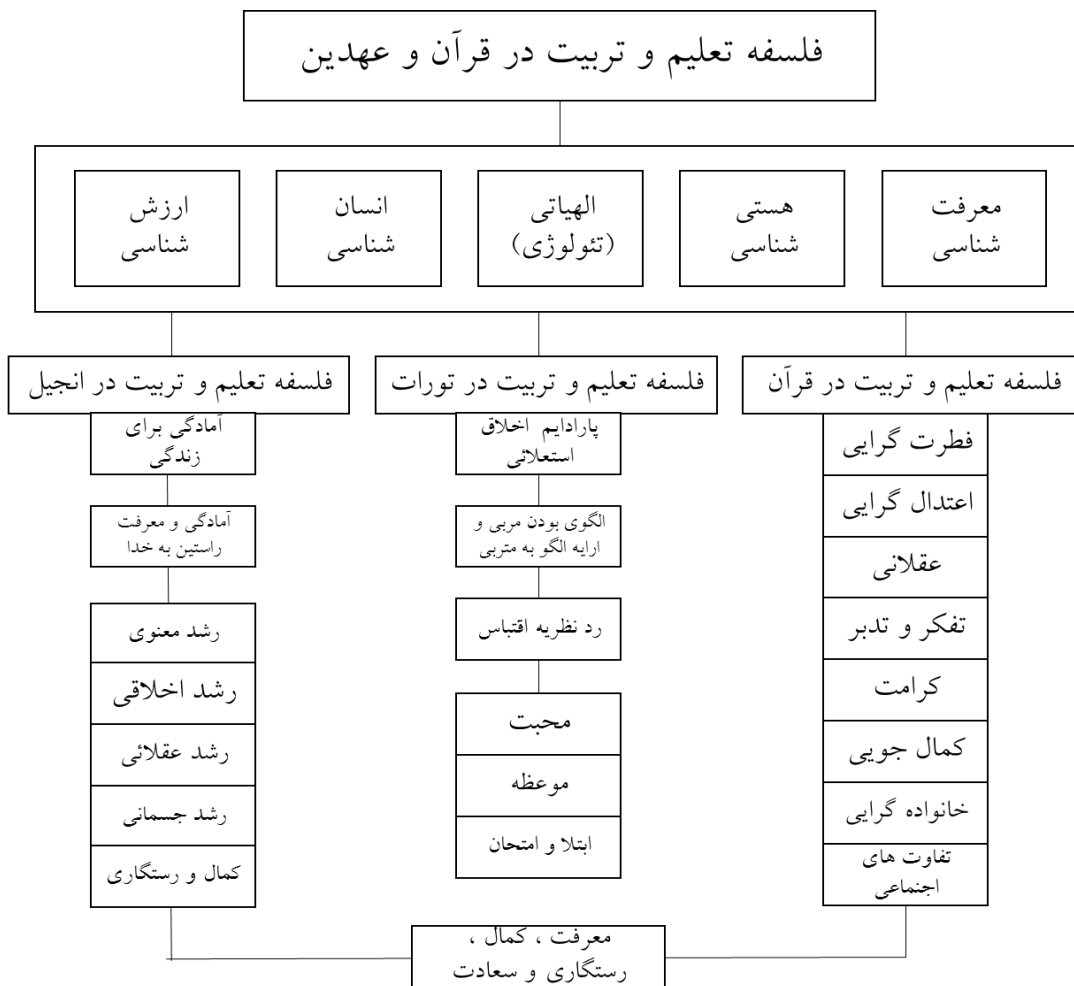
شناخت از مبانی و اصول تربیتی انسان از دیرباز مورد توجه بسیاری از اندیشه‌وران و صاحب‌نظران بوده و در این راه کوشش‌های فراوانی صورت گرفته است. بدیهی است که توجه به مسائل فلسفه تعلیم و تربیت در مکاتب و آموزه‌های فکری اندیشه‌ورزان متضمن برداشت‌های متفاوتی بوده و هر یک از این برداشت‌ها توانسته‌اند منشأ صدور آرای متفاوت در زمینه فلسفه تعلیم و تربیت انسانی باشند. تعلیم و تربیت از وظایف اجتماعی است که در خانواده و محیط آموزشی برای انسان‌ها بسیار مهم است لذا شامل مراحل وسیر تکاملی است که باید رعایت شود (مصلاهی پور، ۱۴۰۰) بنا بر نگره و آموزه‌های اغلب مکاتب فکری، تربیت در لغت به معنای رشد و نما دادن، زیاد کردن و مرغوب یا قیمتی ساختن است و منظور از تربیت انسان، به فعلیت رساندن استعداد‌های بالقوه موجود در او است. تعلیم در لغت از واژه علم، بعلم، تعلیم و به معنای یاد دادن و آموزش و تربیت از واژه رب و به معنای پروریدن، پرورش و رشد دادن است. تعلیم و تربیت در اصطلاح به معنای فرآیند انتقال و تعمیق دانش‌ها و بینش‌ها، هدایت و تقویت‌گرایی‌ها و شکوفا سازی هماهنگ استعداد‌ها و توانایی‌های انسان در ابعاد روحی و بدنی برای رسیدن به کمال مطلوب است. (صفوی، ۱۳۷۲: ۲۸).

فروبل مربی معروف در باره تعلیم و تربیت بر این اعتقاد است که: تعلیم و تربیت باید انسان را از خویشتن و آنچه در او نهفته است آگاه سازد و او را با طبیعت خویش آشتی دهد تا بتواند با خدای خویش متحد گردد. (نصری، ۱۳۹۹: ۱۲۵)

فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی به معنای اعم، یکی از علوم فلسفی اسلامی است که با دو روش عقلی و نقلی به استکشاف گزاره‌های فلسفی و تربیتی برگرفته از علوم فلسفی و تربیتی بشری، استطباق گزاره‌های فلسفی و تربیتی و نیز استنتاج گزاره‌های تربیتی همت می‌گمارد. منبع گزاره‌های بخش نظری فلسفه اسلامی، قرآن کریم، سنت معصومان علیهم السلام و عقل است. گزاره‌های انشایی و عملی همواره بر گزاره‌های اخباری و نظری استوار هستند. گزاره‌های تربیتی، بخش حکمت عملی دانش اصلی یعنی فلسفه اسلامی است. تئوری‌های مربوط به فلسفه تعلیم و تربیت تلاش می‌کنند تا قواعد و اسلوب تعلیم و تربیتی مربوط به جوامع را تعبیر و تفسیر کنند و

واکاوی و تشریح همه جانبه این موانع در بدایت امر، نشانه ای بر اهمیت پژوهش می باشد. اهمیت دیگر پژوهش به جهت نوآوری داده های پژوهشی و سطح تحلیل آن برای پاسخ به پرسش های پژوهش است. به این معنی که این داده ها از جامعیت بیشتری برخوردار و از محدودیت های تک ساحتی پژوهش های پیشین، بدور است. اهمیت دیگر پژوهش ناظر بر دستاوردها و نتایج و مآلاً راهکار هایی است که بتواند زمینه را برای پژوهش های تعلیم و تربیت برای پژوهشگران حوزه فلسفه تعلیم و تربیت فراهم نماید.

تربیت در قرآن کریم و تورات و انجیل بسیار ناچیز است. با این همه و به رغم با وجود تگ نگاشته های که در قالب کتب و یا مقالات تخصصی منتشر شده است، به نظر می رسد که پژوهش های موجود حق مطلب را ادا نکرده و یا به نوعی به تقلیل گرایی و تک علتی در تحلیل داده ها دچار بوده اند. لذا در این مقاله تلاش شده است که ضمن بهره گیری از پژوهش های گذشته، با فاصله گیری از رویکردهای تقلیلی و تک سببی مبانی فلسفی تربیت انسان در قرآن و عهدین (عهد قدیم و عهد جدید) به روش تطبیقی افتراقات را مورد بررسی قرار دهد. لذا



۱- دیاگرام و نمودار مدل مفهومی منتیج از مبانی نظری

و بررسی مبانی و اصول تعلیم و تربیتی در قرآن کریم، تورات و انجیل و همچنین بیان نتایج و دستاوردها در حوزه های فلسفه تعلیم و تربیت است .

در این ارتباط بررسی تطبیقی وجوه افتراقی مبانی فلسفی تربیت انسان در قرآن و عهدین (عهد قدیم و عهد جدید) هدف اصلی مقاله حاضر است. اهداف فرعی شامل مفهوم شناسی فلسفه تعلیم و تربیت در قرآن و عهدین

پیشینه پژوهش

مومنی (۱۳۹۵) مقاله‌ای را تحت عنوان (تربیت انسان در پرتو انسان‌شناسی صدرایی) به نگارش در آورده است. این مقاله پژوهشی در دو فصلنامه علمی پژوهشی حکمت صدرایی، سال پنجم، شماره دوم، چاپ و منتشر شده است. اگر چه این مقاله پژوهشی از منظر حکمت صدرایی در باره تربیت مورد مذاقه و تحلیل قرار گرفته است، اما مقاله از بن مایه‌های معرفتی اسلام خالی نیست. در واقع از منظر معرفت‌شناسی، این مقاله به نظام تربیتی و معرفتی اسلام تعلق دارد. در این مقاله پژوهشی بر این نکته تأکید شده است که: انسان‌شناسی در ادیان الهی به ویژه دین اسلام جایگاهی ممتاز دارد و خودشناسی، که هم سرآغاز و هم سرانجام انسان‌شناسی است، از ضروری‌ترین مسائلی است که بر آن تأکید فراوان شده است. میر هادی (۱۳۹۵) مقاله‌ای را تحت عنوان (مبانی فلسفی تربیت انسان در حکمت متعالیه) به نگارش در آورده است. این مقاله پژوهشی در مجله خرد نامه صدرا و در شماره ۸۶ این مجله چاپ و منتشر شده است. بحث از مبانی فلسفی تعلیم و تربیت به همراه فلسفه تربیت انسان در فلسفه حکمت متعالیه مهمترین فراز این مقاله است. اسدی زنجانی (۱۳۹۶) مقاله‌ای را تحت عنوان (بررسی و نقد نظریه اقتباس قرآن از عهدین) به نگارش در آورده است. این مقاله پژوهشی در مجله معرفت ادیان، سال هشتم، شماره سوم، چاپ و منتشر شده است. جانمایه این مقاله پژوهشی نوعی کتاب‌شناسی پیرامون قرآن کریم، تورات و انجیل و تشریح نظریه اقتباس است. رشیدی (۱۳۹۸) مقاله‌ای تحت عنوان (مبانی و آثار تربیت انسان منظم از منظر فلسفه تعلیم و تربیت قرآن بنیان) به نگارش در آورده است. این مقاله پژوهشی در مجله علوم تربیتی، سال هفتم، شماره دوازدهم چاپ و منتشر شده است. طبق دیدگاه نویسنده در این مقاله پژوهشی، از آنجاکه موضوع دانش فلسفه تعلیم و تربیت قرآن بنیان، تعلیم و تربیت انسان براساس آموزه‌های قرآن است، بنابراین مبانی تربیت انسان منظم به دو دسته مبانی عام و مبانی خاص تقسیم می‌شود.

رهنما (۱۳۹۸) مقاله‌ای را تحت عنوان (بررسی تطبیقی مبانی فلسفی تربیت اخلاقی از دیدگاه علامه طباطبایی و لویباس) را به نگارش در آورده است. این مقاله پژوهشی در مجله پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال بیست و هشتم، دوره جدید، شماره ۴۸ چاپ

و منتشر شده است. از آن جایی که برخی از رگه‌های تعلیم و تربیت علامه طباطبایی از قرآن است، در این مقاله و با تکیه بر آموزه‌های علامه طباطبایی می‌توان مبانی تعلیمی و تربیتی از منظر قرآن را استخراج کرد. بنابراین، این مقاله تلاش دارد که ضمن معرفت‌شناسی قرآن کریم و کتاب‌شناسی عهدین، وجوه مشترک فلسفه تعلیم و تربیت انسان در قرآن و عهدین (عهد قدیم و عهد جدید) را به روش تطبیقی مورد بررسی قرار دهد. در واقع در میان همه پژوهش‌هایی که از سوی پژوهشگران در حوزه تعلیم و تربیت به ویژه فلسفه تعلیم و تربیت صورت گرفته است، جای پژوهشی که خواسته باشد مبانی فلسفی تربیت انسان در قرآن و عهدین (عهد قدیم و عهد جدید) به روش تطبیقی مورد بررسی قرار داده باشد، مغفول‌عنه واقع شده است. در واقع اهمیت پژوهش حاضر به همین خاطر است و تلاش می‌نماید که به سهم خود خلا‌های پژوهشی در این زمینه را پر کند. در این ارتباط بیشترین کوشش ممکن به عمل آمده این است تا به پرسش‌های پژوهش پاسخ مناسب داده شود.

روش پژوهش:

در این نوشتار در گام نخست مبانی تربیت انسان منظم از منظر فلسفه تعلیم و تربیت قرآن و عهدین روش قیاسی از آیات و روایات مرتبط استخراج و سپس با روش تحلیل مفهومی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. آنگاه در گام دوم آثار تربیت انسان منظم با روش استنباطی در این متون شناسایی و با بنیانهای پیشگفته مرتبط و تدوین می‌شود. تحلیل محتوای کیفی قیاسی عبارت از برجسته‌سازی و بیان نظام مند نکات پراکنده ناظر به موضوع و مقوله هاست. نقطه شروع این نظریه‌ها، تحقیقات موجود و دانش متخصصان است و فرایند تفسیر آن شامل استنتاج براساس مقوله، کد و روابط آنهاست. برون‌داد تحلیل محتوای کیفی قیاسی مفاهیم، مقولات توضیح‌دهنده موضوع در قالب نقشه مفهومی هستند.

یافته‌ها:

نقاط نا همسو در قرآن کریم و عهدین مبتنی بر هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی بررسی معرفت‌شناسانه پیرامون قرآن کریم و میراث عهدین بیانگر آن است که، تفاوت آشکاری میان قرآن و تورات از یک سو و انجیل از سوی دیگر به چشم می‌خورد. قرآن و تورات از رویدادها و جریانهای گوناگونی سخن گفته‌اند؛ حال آن که انجیل تنها گزارش از زندگی، گفتار و

رفتار حضرت عیسی(ع) است. همین امر باعث می شود که بررسی و مقایسه، تنها میان قرآن و انجیل در خصوص حضرت عیسی امکان پذیر باشد.

در بعد انسان شناسی وهستی شناسی، انسانی که قرآن معرفی می نماید دارای ویژگی های خاصی است که سبب متمایز گشتن او از سایر موجودات دیگر شده است. لذا در قاموس قرآن انسان مرکب از دو بعد جسمانی و روحانی می باشد. بعد جسمانی یا مادی در پی تأمین نیازهای مادی و دنیوی چون غرایز و امیال طبیعی است و همچنین پس از مرگ نابود می گردد، بعد روحانی انسان خواستار ترقی و تکامل حقیقی انسان است و همواره ثابت است و پس از مرگ نیز به حیات خود ادامه می دهد. بعد روحانی برگرفته از روح الهی است و از آنجا که روح الهی سرشار از استعدادهای مهمی است که سبب استفاده از نیروهای مادی در جهت رسیدن به کمال می گردد و از این جهت انسان تجلی گاه صفات الهی می باشد. همچنین در انسان شناسی الهی انسان ذاتا به خداوند گرایش دارد و این مهم به واسطه آفریده شدن انسان بر فطرت الهی است. این معنا در آیه *فَطَرْتُ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا* (روم/۳۰) نیز به کار رفته است. چنانکه بیان می دارد خداوند مردم را طوری آفریده که طبعاً خدا را بشناسند. فطرت یکی از اقتضانات الهی است که در نیروی ادراکی بشر نهاده شده است و در اثر توجه کامل به اصول اعتقادی و وظایف دینی به فعلیت درمی آید و به سعادت که در انتظار بشر و غرض از خلقت او است ناائل می شود. (حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۴۲۰) در عهد عتیق آفرینش آسمان و زمین به دست خداست. باید این موارد را در نظر داشت که عمر زمین طولانی نیست. عمر زمین هزاران سال است نه میلیون ها سال. خدا از نیستی هستی را آفرید. خدا جهان هستی را به طور مشخص در شش ۲۴ ساعت متوالی، که هر یک (یک روز نامیده می شود) آفرید. هر روز با عبارت (وشام بود و صبح بود) از هم تفکیک می شوند. کتاب مقدس یهودیان این نظریه را که مدعی است عمر زمین بیش از ۱۰ هزار سال است تایید نمی کند. در ابتدا، خدا از ازل وجود دارد. (مزامیر، ۹۰: ۲) عبارت در ابتدا به آغاز آفرینش زمان در بعد زمان و مکان اشاره دارد. وقتی خدا در دشت های موآب هویت قوم اسرائیل و هدف از وجودشان را توضیح می دهد، قصدش این است که قومش از اصل و منشا جهانی که در آن به سر می برند، آگاه شوند. خدا واژه

الوهیم در زبان عبری که به معنای متعال می باشد، در روز اول آفرینش در کتاب یهود چنین آمده است: (مزامیر: ۳). خدا گفت بی آنکه تلاش و تکاپوی کند و روشنایی به وجود آمد. این نور بر تاریکی آیه ۲ غالب شد. این روشنایی، به وضوح و روشنی مکشوف گر نور جلال خداوند است. نور برای انجام هدفهایی که بر عهده دارد، مفید و نیکو است.

در انسان شناسی یهود، مباحثی همانند: انسان به منزله تربیت، توصیف انسان و شرارت ذاتی انسان و جایگاه انسان در عهد عتیق مورد بررسی قرار می گیرد. تلمود از انسان با عناوینی نظیر، جهان کوچک، موجودی شبیه خدا و دارای عظمت و کرامت یاد کرده است. یعنی آن که یک انسان با همه عالم، برابر است. بخشی از انسان آسمانی و بخش دیگرش نیز زمینی است. این که انسان شبیه خداوند آفریده شده است، اساس تعلیمات دانشمندان قوم یهود در باره وجود انسانی است. و بالاخره معتقد است اگر انسان تورات را بیاموزد و رضایت پدر آسمانی خود را فراهم آورد، همانند مخلوقات عالم بالا می شود. (تلمود، ۸۸-۸۷). در ارزش شناسی مبانی فلسفی تربیت انسان در تورات بیش از همه بر عهد یهوه و مردم اسرائیل یا همان (موعود گرایی) تاکید می شود. در این ارتباط، یهوه در خطاب به مردم می گوید که: بنی اسرائیل را بگو، من یهوه هستم و شما را از زیر مشقت های مصریان بیرون خواهم آورد و شما را از بندگی ایشان رهایی دهم و شما را به بازوی بلند و داوری های عظیم نجات دهم و شما را خواهم رسانید به زمینی که در باره آن سوگند یاد کردم. (تورات، سفر خروج: ۸-۶) در کتاب مقدس هیچ مفهوم جامع و کاملی که مساوی با واژه اخلاق باشد وجود ندارد. واژه عبری (موسر) در دوران اخیر به معنای اخلاق ترجمه شده است در حالی که این واژه در کتاب مقدس تنها به معنای نقش تربیتی پدر در خانواده یا رفتار مؤدبانه و همراه با فروتنی، و نه اخلاق به معنای فراگیرش، به کار می رود. (Ann, 1971: 632) در کتاب مقدس خواسته های اخلاقی بخش مهمی از دستورات خداوند به انسان محسوب میشود. ارتباط نزدیک دو قلمرو دین و اخلاق از ویژگی های اصلی کتاب مقدس است. برخی از دانشمندان یهودی معتقدند که در کتاب مقدس عبری بخش مشخصی درباره رفتارهای شایسته در معنای آن چه ما امروزه به آن اخلاق می گوئیم وجود دارد. در مقابل، بسیاری از دانشمندان بر این باورند که این کتاب، علی

قص و غایات است. به دلیل همین نگرش، دانش قرون وسطی عمدتاً قیاسی بود، یعنی از اصول و قضایای کلی به موارد و مصادیق جزئی آن استدلال می‌شد. بر اساس این دیدگاه، در علوم آن زمان توصیف، پیش‌بینی و مهار یک پدیده محدود مطلوب اصلی به شمار نمی‌آمد بلکه دانشمندان در پی معنای هر جزء در رابطه با کل و در درجه اول با خداوند بودند. (ناس، ۱۳۷۳: ۲۹۸). خوب و بد و باید و نباید به مشیت الهی وابسته است، یعنی خیر آن است که خوشایند خداوند باشد و شر آن است که ناخوشایند او باشد. برای مثال اگر اراده خداوند آن است که ما به همدیگر مهر بورزیم، در این صورت مهر ورزیدن خوب خواهد بود. (گریدی، ۱۳۷۷: ۳۲۸) الهیات از آن حیث که علم به علت اولی (خداوند) است، بر علوم دیگر ولایت عالی دارد. علوم دیگر باید با محک الهیات سنجیده شوند و تابع آن باشند. جان کلام آن که در فرهنگ مسیحی خدا موضوعیت اصلی را داد و به عنوان عالی‌ترین موضوع معرفت بشری قلمداد می‌شود. (گریدی، ۱۳۷۷: ۳۵۲)

با در نظر گرفتن موارد گفته شده می‌توان گفت روش‌های تدریس در تربیت مسیحی منبعث از ابزارهای شناخت یعنی: حواس، عقل و قلب شاگرد و مبتنی بر پرورش این ابزارها هستند، از این روست که در تربیت مسیحی روش‌های تدریسی که در آنها شاگردان فعال اند و تحت نظارت و راهنمایی معلم به شناختی استوار دست می‌یابند از اهمیت بسزایی برخوردار هستند. تربیت دینی با تلقین یا القای عقاید دینی معلم به شاگردان کاملاً متفاوت است و بلکه نهایتاً شاگردان هستند که در پرتو به کارگیری حواس خود، تفکر و تعقل و پاک‌سازی قلب و شخصیت و یا تهذیب نفس می‌توانند با هدایت و راهنمایی معلم شایسته‌ای که به عالی‌ترین مراتب تعالی و کمال در آن موارد رسیده‌اند، با استفاده از روش‌های پیشین به اهداف عالی و اصیل تعلیم و تربیت نائل آیند. (Peterson, 2005: 93) در تعلیم و تربیت از دیدگاه مسیحیت می‌توان از چهار حوزه ارزشی سخن گفت که به خود و خودشناسی اشاره دارد.

تعالی خودشناسی به منزله انسان‌هایی منحصر به فرد و قادر به توسعه و رشد معنوی، اخلاقی، عقلایی و جسمانی برای خودمان ارزش‌قایل هستیم. و در بعد ارتباطات بیان می‌دارد که به دیگران برای خودشان ارزش‌قایل هستند نه فقط از جهت آنچه دارا هستند و یا آنچه می‌توانند برای ما انجام دهند. به چنین ارتباطاتی به

رغم رسالت اخلاقی‌اش در تربیت بنی‌اسرائیل و با وجود آن که آموزه‌های اخلاقی فراوانی در آن وجود دارد، هرگز به عنوان یک کتاب اخلاقی تعریف نمی‌شود. آموزه‌های اخلاقی این کتاب پراکنده و بی‌انسجام‌اند. (Magid, 2005: 34) اخلاق توراتی خدامحور است و اساس بایدها و نبایدهای آن اراده و فرامین خداوند است. با این حال، در چنین اخلاقی به پاداش و جزای انسان‌ها بر اساس عملکردشان نیز توجه شده است. از نگاه این کتاب برای کمترین کار جزا و یا پاداشی وجود دارد. بر اساس این پیش‌فرض می‌توان فهمید که اخلاق توراتی بر فرض وجود خدایی استوار است که پاداش دهنده است. خدایی که به عدالت رفتار می‌کند و خریدارانه رفتار بنی‌اسرائیل را سنجش خواهد نمود و مزد هر کس را به فراخور آن چه کرده است به او خواهد داد. فرض این که خدا عادل است، و یا باید عادل باشد، و درخواست پاداش از او مبنای پیام‌هایی است که مزامیر و پاره‌ای دیگر از رسایل انبیا بر آن استوارند. (Kellner, 1971: 267)

هر گونه امکان معرفت‌شناسی بابت مبانی فلسفی تربیت انسان از رهگذر کتاب مقدس مسیحیان میسر می‌شود. در این ارتباط باید گفت که کتاب مقدس از منابع اصلی و اصیل هر دین و فصل‌الخطاب تلقی‌های گوناگون و معیار شناخت بدعت‌ها و انحراف‌ها به شمار می‌رود. آموزه‌های اساسی و محوری نظام اعتقادی، ارزشی و اح کام‌عبادی که به وسیله آن یک آیین از آیین دیگر ممتاز می‌گردد، در کتاب مقدس بیان می‌شود. دین بر جسته مسیحیت که به تدریج همه اروپا و آمریکا را فراگرفت نیز از این امر مستثنی نبود. به دلیل تلقی خاص پولس از وحی و تدوین کتاب مقدس پس از حیات زمینی حضرت عیسی (ع) تنها منبع موثق برای فهم سنت مسیحی، هیئتی به خود گرفت که خود بستر تحولات گوناگون آیین دین را فراهم آورد. (زیبایی نژاد، ۱۳۷۵: ۱۸۹) شالوده اصلی هستی‌شناسی فرهنگ و دین مسیحیت شامل جهان، عقل حقیقی، جهان انسان و الهیات است. جهان هدفمند است و بر اساس اهداف خدایی خیر خواه آفریده شده و ادراک میشود. از این رو جهانی که در آن همه حوادث به ظاهر نامعقول می‌نماید در پرتو هدفی کیهانی معنا می‌یابد. حتی همه شرور ظاهری را می‌توان اموری دانست که در شاکله عظیم یگانه‌یی از اشیا جای می‌گیرند و در پرتو کل معنا می‌یابند. در این جهان هر چیز برای خود در سلسله مراتب هستی جای دارد، زیرا آفریده خداوند دارای

منظر قرآن کریم مبدأ جهان هستی و تنها آفریننده جهان و انسان خداوند است. انسان دارای عقل است. انسانی که قرآن معرفی می نماید دارای ویژگی های خاصی است که سبب متمایز گشتن او از سایر موجودات دیگر شده است. لذا در قاموس قرآن انسان مرکب از دو بعد جسمانی و روحانی می باشد. در تورات، انسان به جهان کوچک تشبیه شده است. یهود انسان را ذاتا گناهکار و شرور می شناسد. خداوند مسئولیت حکومت و فرمانروایی بر زمین است. خداوند اول آدم را آفرید و سپس مخلوقات دیگر را و چون در بین مخلوقات دیگر، یار مناسبی برای انسان پیدا نکرد، حوا را از دنده آدم خلق کرد. در انجیل انسان در آغاز آفرینش در کمال راستی و درستی بود، اما آدم (نخستین نمونه انسانیت) به معصیت خدا وسوسه شد و دامن خود را به گناه آلوده ساخت. بدین سبب، از آن جایگاه بلند هبوط کرد و در دنیایی خاکی گرفتار آمد. به اعتقاد مسیحیت، آدمیان در اثر گناه نخستین، دچار مرگ روحی شده اند. قدوسیت شرط اساسی مصاحبت با خداست.

مثابه مبنایی اساسی برای توسعه و کمال دیگران، خودمان و جامعه ارزش قایل هستیم. در بعد جامعه شناسی برای حقیقت، عدالت، حقوق بشر، قوانین و تلاش های جمعی در جهت خوبی و رشد همگان ارزش قایل شده است. خصوصا برای خانواده به مثابه منبع عشق، و حمایت برای همه افراد و اساس جامعه ای که در آن مردم مراقب و متوجه یکدیگر هستند، ارزش قایل شده است بنابر این می توان گفت در تربیت از دیدگاه مسیحیت محتوای های تعلیم ملهم از منابع شناخت است و به صورت جزئی تر همان منابع در قالب محتواهای مفید گوناگون که در سوق دادن شاگردان به سوی اهداف تعلیم و تربیت موثرند، اجرا می-شوند. (Cronin, 1988: 25)

نتیجه گیری :

از منظر مبانی معرفت شناسی، قرآن به مثابه زبان پرورش و زبان آموختن، و کلام وحی است. قرآن برای پرورش افراد بشر فرود آمده است. در حالیکه در تورات مبانی معرفت شناسی تربیت به مثابه راهی برای ارتباط باطنی با خدا شناخته می شود. در انجیل کتاب مقدس بر خلاف قرآن، کلام وحی نیست و ارزش های اخلاقی در جهت اثبات وجه نامتناهی انسان در نظر گرفته شده است.

از منظر مبانی هستی شناسی در قرآن کریم، نظام هستی به مثابه مخلوق، دارای قانونمندی تکوینی، مبنای هستی بر اساس توحید می باشد. در تورات بر این نکته تاکید می شود که آفرینش آسمان و زمین به دست خداست. خدا از نیستی هستی را آفرید. خدا جهان هستی را به طور مشخص در شش ۲۴ ساعت متوالی، که هر یک (یک روز نامیده می شود) آفرید. اما طبق فرهنگ مسیحیت و انجیل، خداوند در فرهنگ پروردگار مدیر همیشگی طبیعت بود و نه صرفا آفریدگار و مبدع آن. از این رو، عملکرد طبیعت به فرمان و با قدرت خداوند است نه به خاطر نیروی ذاتی اش. خداوند خیر اعلای است و همه چیز را به سوی غایت مقرر مقدرشان می راند.

از منظر مبانی انسان شناسی در قرآن کریم، اولین سؤالی که در باب انسان در خور بررسی و تأمل است این است که انسان از کجا و چگونه آمده است و به کجا رهسپار می شود؟ سؤالات دیگری که در مباحث انسان شناسی مطرح می گردد این است که هدف از خلقت انسان چیست؟ انسان دارای چه ویژگی هایی است. از

- منابع :**
- قرآن کریم
 نهج البلاغه
 تورات
 انجیل
- اعظم‌شاهد، رئیس (۱۳۸۶) اعجاز قرآن از دیدگاه مستشرقان، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
- آشتیانی، محسن (۱۳۷۵) مبانی تربیت و اخلاق اسلامی، قم: انتشارات روحانی.
- باقری، خسرو (۱۳۹۳) نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران: موسسه فرهنگی رهبان.
- بلاغی نجفی، محمدجواد (۱۴۲۰) آلاء الرحمن فی تفسیرالقرآن، تحقیق واحد تحقیقات اسلامی بنیاد بعثت، قم: ناشر بنیاد بعثت.
- تقدسی، زینب و مصلاهی پور یزدی، عباس و زرسازان، عاطفه و قنبری، بخشعلی، ۱۴۰۰، بررسی مقارن مراحل تربیت فرزند در قرآن، حدیث، عهد عتیق و تلمود، پرچم، اعظم (۱۳۹۲) خاستگاه اخلاق یهودی در عهد عتیق، دو فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهشنامه ادیان، سال هفتم، شماره سیزدهم.
- حبیب الهی، مهدی (۱۳۹۲) خاستگاه اخلاق یهودی در عهد عتیق، دو فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهشنامه ادیان، سال هفتم، شماره سیزدهم.
- حیدری، علیرضا (۱۳۹۳) اقتباس قصص قرآن از عهدین، بررسی و نقد نظریه دره حداد، معرفت ادیان، شماره ۱۸.
- رجبی، محمود (۱۳۹۳) انسان شناسی در پرتو تعلیم و تربیت قرآنی، پژوهش‌های قرآنی ۱۳۸۱ شماره ۳۲ ویژه نامه قرآن و ادیان و فرهنگ‌ها.
- زیبایی نژاد، محمد رضا (۱۳۷۵) در آمدی بر تاریخ و کلام مسیحیت، تهران: انتشارات طهوری.
- شیبانی، محمدبن حسن (۱۴۱۳) نهج‌البیان عن کشف معانی القرآن، تحقیق حسین درگاهی، تهران: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷) المیزان فی التفسیر الفرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.
- فرهادیان، رضا (۱۳۸۹) مبانی تعلیم و تربیت در قرآن و احادیث (نسخه کمتنی)، قم: پژوهشکده قرآن و حدیث.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۰) التحقیق فی الکلمات قرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- معرفت، محمدهادی (۱۳۸۶) التمهید فی علوم القرآن، قم: موسسه فرهنگی تمهید.
- مومنی، ناصر (۱۳۹۵) تعلیم و تربیت انسان در پرتو حکمت متعالیه، دوفصلنامه علمی پژوهشی حکمت صدرایی، سال پنجم، شماره دوم.
- میر هادی، سید مهدی (۱۳۹۵) مبانی تربیت انسان در پرتو آموزه های اسلامی، دوفصلنامه علمی پژوهشی حکمت صدرایی، سال پنجم، شماره دوم.
- نجفی، محمد (۱۳۹۵) مبانی تربیت انسان در پرتو آموزه های اسلامی، دوفصلنامه علمی پژوهشی حکمت صدرایی، سال پنجم، شماره دوم.
- هادوی تهرانی، مهدی (۱۳۷۷) مبانی کلامی اجتهاد در برداشت از قرآن کریم، قم: موسسه فرهنگی خانه خرد.
- هوردرن، ویلیام (۱۳۶۸) البیئات پروتستان، ترجمه طوبی میکائیلیان، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- هورن، هرمان (۱۳۷۴) فلسفه تربیت، ترجمه احمد آرام، تهران: نشر پژوهش‌های اسلامی.
- Cronin, P. K. (1988) *Teaching the Religion Lesson*, Paternoster Publication LTD, London.
- Freedman, D. N. & A. C. (2000) Myers, & A. B. Beck, *Dictionary of the Bible*, U. K. Willam B. Eerdmans Publishing Company.
- Green, R. M., "Foundations of Jewish Ethics", *The Blackwell Companion to Religious Ethics*, Blackwell, 2005.
- Kaiser, W., C., *Toward Old Testament Ethics*, Michigan, Zondervan Publishing House, 1983.
- Kellner, M, (1971) "Ethics of Judaism", *The Encyclopedia of Judaism*, Vol.5.
- Magid, S, "Ethics Differentiated from the Law", *The Blackwell Companion to Religious Ethics*, Blackwell, 2005.
- Peterson, L (2005) *Philosophy of Education*, Leicester, England -The Holy Bible, Today's New international Version, Hodder & Stoughton, London.
- Watson, B. (1993) *The Effective Teaching of Religious Education*, Longman, London and New York.